



Correction Some Distortions and Falsifications in Aghraz Al-Seyasah by Emphasizing on Meshkat's Transcript

Mokhtar Ebrahimi

Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran

Nasrollah Emami

Professor, Department of Persian Language and Literature, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran

Ghodrat Ghasemipour

Associate Professor, Department of Persian Language and Literature, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran

Rasool Kordy

Ph.D. Student in Persian Language and Literature, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran

Abstract

Aghraz Al-Seyasah Fi A'araz Al-Reyasah, authored by Zahiry Samarghandy has become one of the excellent and outstanding old prose texts, because of containing technical, political, social, philosophical, didactic, and ethical teachings and addressing governance practices. These practical and miscellaneous teachings have led to frequent transcriptions and insertion of significant distortions and falsifications into the text of the mentioned book. Jaafar Shear by having in hand four manuscripts of Aghraz Al-Seyasah but without benefitting all of them (specially Meshkat's transcript) has corrected and printed it in many cases mentioned the manuscript's differences. Furthermore, negligence in trusteeship towards manuscripts, especially the base manuscript, hastiness in correction, and the weakness and indifference in typesetting have inserted some other distortions, falsifications, and errors in the aforesaid book. This study has tried to countercheck the printed copy of Aghraz Al-Seyasah with the base and Meshkat's manuscript, and then by comparing some phrases of it with the other works of Zahiry Samarghandy (Sandbadnameh and Ghorrat-al-Alfaz wa Nozhat-al-Alhaz) and writer's stylistic norms analyze and correct some distortions falsifications and errors in the printed text of Aghraz Al-Seyasah.





Keywords: Zahiry Samarghandy, Aghraz Al-Seyasah, Manuscripts, Distortion and Falsification, Stylistic Norms and Emendation.

– Corresponding Author: m.ebrahimi@scu.ac.ir

- The present paper is adapted from a Ph.D thesis on Persian Language and Literature, Shahid Chamran University of Ahvaz.

How to Cite: Ebrahimi, M., Emami, N., Ghasemipour, Gh., Kordy, R. (2022). Correction Some Distortions and Falsifications in Aghraz Al-Seyasah by Emphasizing on Meshkat's Transcript. *Literary Text Research*, 26(92), 143-168. doi: 10.22054/LTR.2020.43388.2726

تصحیح چند تصحیف و تحریف در «اغراض السیاسة» با تأکید بر نسخه خطی مشکوة

- مختار ابراهیمی *  استادیار، گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران
- نصرالله امامی  استاد، گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران
- قدرت قاسمی پور  دانشیار، گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران
- رسول کردی  دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران

چکیده

«اغراض السیاسة فی اغراض الریاسة» تألیف ظهیری سمرقندی به دلیل داشتن آموزه‌های سیاسی، اجتماعی، حکمی، تعلیمی، اخلاقی، آداب مملکت‌داری و شیوه‌های حکمرانی در میان متون کهن نثر فارسی ممتاز و برجسته شده است. آموزه‌های گوناگون و کاربردی این کتاب سبب شده است این اثر بارها به دست کاتبان نسخه‌نویسی شود و در نتیجه این امر تصحیفات و تحریفات بسیاری به متن آن راه پیدا کرده است. جعفرشعار با در اختیار داشتن چهار نسخه خطی از «اغراض السیاسة»، اما بدون استفاده از همه آن‌ها (به‌ویژه نسخه خطی مشکوة) به تصحیح و چاپ آن اقدام و در بسیاری از موارد اختلاف نسخه‌ها را نیز ذکر کرده و مسامحه در امانت‌داری نسبت به نسخه‌های خطی به‌ویژه نسخه اساس، شتاب‌زدگی در تصحیح و چاپ این اثر و همچنین ضعف و سهل‌انگاری در حروف‌چینی، تصحیفات، تحریفات و لغزش‌های دیگری را به متن این کتاب وارد کرده است. نگارندگان در این مقاله از طریق مقابله متن چاپ شده اغراض السیاسة با نسخه اساس و نسخه مشکوة و به مدد مقایسه جملات و عباراتی از آن با آثار دیگر ظهیری سمرقندی (سندبادنامه و به‌ویژه اثر ناشناخته غرةالفاظ و نزهةاللاحاظ) و هنجارهای سبک‌شناختی نویسنده به بررسی و تصحیح چند تصحیف، تحریف و لغزش در متن چاپ شده اغراض السیاسة می‌پردازند.

کلیدواژه‌ها: ظهیری سمرقندی، اغراض السیاسة، نسخه‌های خطی، تصحیف و تحریف، ویژگی‌های سبکی و تصحیح.

– این مقاله برگرفته از رساله دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه شهید چمران اهواز است.

* نویسنده مسئول: m.ebrahimi@scu.ac.ir

مقدمه

ظهیری سمرقندی، مؤلف «اغراض السیاسة» از نویسندگان بنام سده ششم هجری است که صورت ساده «سندباد» فناروزی را با بهره‌گیری از آیات، احادیث، صنایع مختلف ادبی و اشعار و امثال فارسی و عربی، بازنویسی کرده و به نثر فنی آراسته است. وی همچنین رساله «غرة الالفاظ» را در آموزش نویسندگی، لغت و علم بلاغت برای استفاده اهل قلم تألیف کرده است.

«اغراض السیاسة» سرشار از آموزه‌های سیاسی، اجتماعی، حکمی، تعلیمی و اخلاقی است و در شیوه نگارش از ترجمه «کلیله و دمنه» نصرالله منشی تأثیر پذیرفته است و در آداب مملکت‌داری نظیر «قابوس‌نامه»، «سیاست‌نامه»، «نصیحة الملوک» و کتاب‌هایی از این دست است.

در نثر فنی «اغراض السیاسة» ذخیره‌های شناختی و تجربیات هنری نویسنده با آموزه‌های کاربردی آن به گونه‌ای در آمیخته شده‌اند که زبان نرم و لطیفی ایجاد کرده و خواننده را به دنبال خود کشانده و به خواندن حکایت‌های آن علاقه‌مند کرده است. این کتاب به دلیل شیوه‌های حکمرانی و جنبه‌های کاربردی که در زندگی دارد، بارها به دست کاتبان، نسخه‌نویسی شده است که در گذر زمان، لغزش‌های گوناگونی در متن آن پدید آمده است. علاوه بر این، مصحح «اغراض السیاسة» با در اختیار داشتن یک نسخه خطی و سه نسخه عکسی از آن، اما بدون استفاده از همه آن‌ها به تصحیح این اثر اقدام کرده و آن را برای نخستین بار در سال ۱۳۴۹ به چاپ رسانده است که این نسخه‌ها عبارت‌اند از:

۱- نسخه عکسی «م» یا اصل به شماره ۳۸۴۴، متعلق به کتابخانه ایاصوفیا (ترکیه) که نسخه اساس مصحح بوده است. این نسخه که در ۲۵۰ برگ و به خط نسخ است، تاریخ کتابت ندارد، اما بنا به نوشته جعفر شعار قدیم‌ترین نسخه‌هاست. نگارندگان نیز هنگام مراجعه به این نسخه در پژوهش حاضر، واژه «اساس» یا «اصل» را به کار می‌برند.

۲- نسخه «ل» متعلق به کتابخانه لیدن هلند به خط نستعلیق خوب، اما دارای اشتباهات فراوان که در سال ۹۴۸ هـ. ق. نگاشته شده و عکسی از آن برای دانشگاه تهران تهیه شده است.

۳- نسخه عکسی «د» به خط نستعلیق و بنا به اشاره جعفر شعار نوشته شده از قرن دهم به بعد که هیوبرت دارک^۱، آن را در اختیار وی قرار داده بود. جعفر شعار به این نکته اشاره کرده

1. Darke, H.

که هنگامی نسخه «د» به دستش رسید که تقریباً نیمی از کتاب، پیش از آن چاپ شده بود (ر. ک: ظهیری، ۱۳۹۲ الف) که همین امر سبب ورود لغزش‌هایی به‌ویژه در نیمه نخست کتاب مدنظر شده است.

۴- نسخه خطی اهدایی سیدمحمد مشکوة به دانشگاه تهران که بنا به سخن جعفرشعار «از این نسخه در تصحیح کتاب استفاده نشده است» (همان). نگارندگان پژوهش حاضر هنگام مراجعه به این اثر، نشانه «مش» را به کار می‌برند، ضمن اینکه به نسخه‌های عکسی «ل» و «د» دسترسی پیدا نکرده‌اند.

پژوهش حاضر پس از بیان مقدمات لازم، برخی از لغزش‌های چاپی موجود در «اغراض السیاسة» را به روش تصحیح انتقادی متون و با بهره‌گیری از هنجارهای سبکی نویسنده، واکاوی می‌کند. از آن‌جایی که امکان دسترسی به نسخه‌های خطی به شکل کاغذی برای اغلب پژوهشگران فراهم نیست و این‌گونه نسخه‌های خطی عمدتاً به شکل الکترونیکی در اختیار آنان قرار می‌گیرند، ضرورت دارد که شماره صفحات استفاده شده از نسخه‌های خطی اغراض السیاسة در پژوهش حاضر ذکر شود تا مراجعه به آن‌ها برای پژوهشگران گرامی - که قصد تکمیل این‌گونه پژوهش‌ها را دارند - آسان‌تر باشد.

۱. معرفی اجمالی نسخه خطی مشکوة

نسخه خطی از «اغراض السیاسة» تألیف ظهیری سمرقندی با استناد به صفحه مشخصات آن در ۱۸۸ صفحه و اندازه هر صفحه ۲۶×۱۵/۵ است و به خط تعلیق نگاشته شده است و از کاتب و تاریخ کتابت آن، اطلاعاتی در دست نیست. این اثر از کتابخانه سیدمحمد مشکوة در بهمن ۱۳۲۸ به دانشگاه تهران اهدا شده است (ر. ک: نسخه مش: مقدمه) و هم‌اکنون در کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران نگهداری می‌شود. این نسخه خطی هم‌چون دیگر نسخه‌های «اغراض السیاسة»، کاملاً خوانا، منقح و بدون اشتباه نیست. پرداختن به همه ویژگی‌های نگارشی این اثر خطی به مقال و مجال دیگری نیاز دارد، اما به برخی از ویژگی‌هایی که در این نسخه نمود بیشتری پیدا کرده است به اختصار اشاره می‌شود؛ البته همه این ویژگی‌ها را نمی‌توان عمومیت بخشید.

- حذف «های» غیر ملفوظ: عشوها [= عشوها] (۹۱)، مناظرها [مناظره‌ها] (۱۰۱)، نامها [=نامه‌ها] (۱۰۱) و دمدمها [=دمدمه‌ها] (۱۵۶).

- جدانویسی «نشانه نفی فعل» از آن: نه ایستد [= نایستد] (۹۱)، نه پیوندد [= نیوندد] (۱۶۳) و نه بینی [= نبینی] (۱۷۸).

- کاربرد فعل‌های پیشوندی: در پوشید (۱۰۱) و در آوردند (۱۰۱).

- حذف «و» نشانه مصوت - در واژه‌هایی نظیر «خورشید» به شکل «خرشید» (۷، ۱۳ و ۱۵).

- ابدال «د» به «ت» در برخی از افعال به شکل گویشی: هرگاه من دست به تیغ برم، شما شمشیرها برکشیت و هرکرا یابیت از کسان مأمون بکشیت. (۱۴۳).

- حذف نشانه مد (~) از بالای حرف «آ» در شماری از واژه‌ها: انجا (۵۶)، برارند (۹۱).

- نوشتن حرف «گ» در بسیاری از موارد به صورت «ک»: بزرک (۳۶)، درگذشت (۱۳۳)، نگاه (۱۵۷)، کلشن (۱۶۵) و کوران (۱۷۵).

- نوشتن حرف «چ» به صورت «ج» و نگاشتن حرف ربط «که» به شکل «ک» در برخی از موارد: جرا (۲۲)، جنانک (۳۶) و آنک (۵۶، ۹۱، ۱۴۲).

این اثر خطی دارای آشفتگی‌هایی است و بخشی از صفحات آغازین آن به‌ویژه (۶-۷) با صفحات پایانی نسخه اساس (۲۵۱-۲۵۰) و متن چاپی «اغراض السیاسة» (ظهیری، ۱۳۹۲ الف) مطابقت دارد. به دیگر سخن، گویا برخی از صفحات آغازین با پایانی این نسخه خطی جابه‌جا شده‌اند. همچنین صفحات پایانی این اثر خطی موجود نیست. برای نمونه، آخرین صفحه این نسخه خطی، یعنی صفحه ۱۸۳ معادل با صفحه ۴۱۲ از متن چاپی «اغراض السیاسة» است در حالی که متن چاپی «اغراض السیاسة» در صفحه ۴۳۲ به پایان می‌رسد.

به نظر می‌رسد به دلیل آشفتگی‌هایی که در نسخه خطی مشکوٰه وجود دارد و تصور جعفرشعار، مبنی بر اینکه در قرن‌های اخیر نگاشته شده (ر. ک: ظهیری، ۱۳۹۲ الف) و بیشتر در معرض دخل و تصرف کاتبان قرار گرفته است و شاید اصالت چندانی نداشته باشد «از این نسخه در تصحیح کتاب استفاده نشده است» (همان)، اما این نسخه خطی در گشودن شماری از ابهامات و تصحیح برخی از لغزش‌های راه یافته به «اغراض السیاسة» می‌تواند مؤثر باشد. نگارندگان با توجه به اصالت این نسخه از آن در این پژوهش بهره برده‌اند.

۲. ضرورت و اهمیت پژوهش

از دلایل ضرورت بازنگری و تصحیح مجدد «اغراض السیاسة» می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

نخست؛ «اغراض السیاسة» حدود نیم قرن پیش؛ یعنی در سال ۱۳۴۹ برای نخستین بار تصحیح و چاپ شده بود و بر پایه سخن جعفرشعار (مصحح آن) از همه نسخه‌های خطی یا عکسی آن اثر-که وی در اختیار داشته- در تصحیح و مقابله استفاده نکرده بود (ر. ک: ظهیری، ۱۳۹۲ الف).

دوم؛ به دلیل مغشوش و ناخوانا بودن نسخه‌های خطی و عکسی مورد استفاده مصحح در تصحیح «اغراض السیاسة»، تصحیح و اعراب‌گذاری بسیاری از الفاظ کتاب و نیز عبارات و ابیات عربی به قیاس یا مراجعه به مأخذ انجام گرفته (همان) است و پژوهش ارزنده «بازنگری اغراض السیاسة» (ر. ک: کمیلی، ۱۳۹۱) نیز به دلیل محدودیت حجم مقاله به تصحیح همه لغزش‌های موجود در «اغراض السیاسة» نپرداخته است.

سوم؛ «اغراض السیاسة» با داشتن لغزش‌های فراوان موجود در آن بدون هیچ‌گونه بازنگری، تجدیدنظر و اصلاحیاتی (یک سال پس از مقاله «بازنگری اغراض السیاسة») به چاپ دوم رسید.

چهارم؛ چاپ رساله ناآشنای غرةالفاظ و نزهةاللاحاظ تألیف ظهیری سمرقندی در سال ۱۳۹۷ و آشنایی با هنجارهای سبک‌شناختی این نویسنده سده ششم هجری می‌تواند در تصحیح شماری از لغزش‌های باقی‌مانده و بررسی نشده «اغراض السیاسة» مؤثر باشد.

پنجم؛ برخی از پیش‌داوری‌های مصحح سبب شده است که در عباراتی از «اغراض السیاسة»، تصحیح ذوقی صورت گیرد و امانت‌داری نسبت به نسخه‌های خطی و عکسی رعایت نشود. مورد زیر نمونه‌ای از لغزش‌های موجود در کتاب یادشده است که مجدد بر ضرورت پژوهش حاضر تأکید شود:

«... [یعنی] قصاراء ارادت و نهایت امنیت مرد عالی همت، کامل‌نهمت آن بود که تبیین محال و تلون احوال حسود مشاهده کند و دشمن را چون رفات رمیم در کفات زمین پنهان یابد یا به تیغ قهر و مذلت، خون او چون خون کبش فدا در شورستان سفک بر زمین ریزد تا^۱ از

۱. به نظر می‌رسد «تا» تصحیف «یا» باشد؛ گرچه در نسخه اساس (۲۳۵) و نسخه مش (۱۷۴) واژه «تا» ثبت شده است.

مسکن مألوف و وطن معهودش به مرتع کوران او مَرَج آهوان فرستد تا طعمهٔ مخالب شیران حوادث و لقمهٔ انیاب روباهان نوایب گردد» (ظهیری، ۱۳۹۲ الف).

گرچه «مَرَج» به معنای «چراگاه» (دهخدا، ۱۳۷۷: ذیل «مَرَج») ابهامی در معنای عبارت ایجاد نمی‌کند، نسخهٔ اساس (۲۳۵) و نسخهٔ مش (۱۷۴)، واژهٔ «مَسْرَح»-به معنای «چراگاه» (دهخدا، ۱۳۷۷: ذیل «مَسْرَح»)- را ثبت کرده‌اند که به دلیل سجع آن با «مرتع» بر «مَرَج» برتری دارد.

شتاب‌زدگی در چاپ این اثر نیز به گونه‌ای است که برخی از عبارات و جملات درون قلاب- که در نسخهٔ اساس نیستند، اما در چاپ آورده شده‌اند- مشخص نیست که از کدام نسخهٔ بدل گرفته شده‌اند. مورد زیر، نمونه‌ای از آن است:

«چنان که گویند: در آن وقت که امیر عادل یمین الدوله [محمود برد الله مَضَجَعَهُ که بساط عدل او در بسط عالم گسترده] بود و آثار عقل و انوار فضل و لطف او سایه بر آفتاب او کنده» (ظهیری، ۱۳۹۲ الف).

عبارت درون قلاب در نسخهٔ اساس (۳۶) و نسخهٔ مش (۳۱) ثبت نشده و در حاشیهٔ مربوط به این عبارت در *اغراض السیاسة* (۶۲) نیز هیچ اشاره‌ای به نسخه یا نسخه‌های بدل نشده است. هم‌چنین نسخهٔ اساس (۳۶) و نسخهٔ مش (۳۱)، آخرین فعل جملهٔ بالا را «افکنده» ثبت کرده‌اند؛ در حالیکه در متن چاپی *اغراض السیاسة* (۶۲) بدون اشاره به هیچ نسخه بدلی واژهٔ «او کنده» نگاشته شده است.

۳. روش پژوهش

این پژوهش به روش تحلیلی- توصیفی و به شیوهٔ رایج پژوهش‌های صورت گرفته دربارهٔ تصحیح انتقادی متون و با استناد به نسخه‌های خطی انجام شده است. همچنین در این پژوهش به سبک و سیاق جملات و هنجارهای سبک‌شناختی ظهیری سمرقندی و تا اندازه‌ای به الگوی مقالهٔ فاضلانۀ «بازنگری اغراض السیاسة» (کمیلی، ۱۳۹۱) توجه شده و در جهت تکمیل آن صورت گرفته است

۱. گرچه واژهٔ «کوران» در نسخهٔ اساس (۲۳۵) و نسخهٔ مش (۱۷۵) ثبت شده است، شکل نوشتاری درست امروزی آن «گوران» است؛ زیرا واژه‌های «آهوان»، «شیران» و «روباهان» با آن تناسب دارند و آن را تأیید می‌کنند.

۴. پیشینه پژوهش

با توجه به بررسی نگارندگان، تنها مقاله فاضلانۀ «بازنگری اغراض السیاسه» به شیوۀ تصحیح متن با خود متن و مراجعه به اثر دیگر مؤلف و با مقابله عباراتی از آثار ظهیری به بررسی لغزش‌های فراوانی در متن چاپی «اغراض السیاسه» پرداخته و آن‌ها را ضمن بخش‌بندی با اسلوب دقیق و علمی به صورت قیاسی تصحیح کرده (ر. ک: همان) به گونه‌ای که حدس‌های ایشان در گزینش واژه‌ها درست بوده است.

۵. مبانی نظری پژوهش

۱-۵. تصحیف و تحریف

دربارۀ تصحیف و تحریف در متون ادب فارسی، تعاریف و تعبیر گوناگونی وجود دارد که برای پرهیز از طولانی شدن بحث به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود. مایل هروی (۱۳۶۹) بر این باور است که شباهت حروف در برخی از زبان‌ها، سبب دگرگونی ضبط‌های نسخه‌ها و ایجاد تصحیف و تحریف می‌شوند (ر. ک: مایل هروی، ۱۳۶۹). این موضوع در ادبیات فارسی به دلیل حروف الفبا و خط خاص آن نمود ویژه‌ای پیدا کرده است. «تصحیف: خطا خواندن و تغییر دادن واژه با کاستن یا افزودن نقطه‌های آن» (معین، ۱۳۸۰: ذیل «تصحیف») است که ممکن است سهوی و از روی غفلت باشد یا آگاهانه و با اهداف خاصی صورت گیرد. همچنین گفته شده است تغییر نقطه‌های واژه؛ یعنی کاهش یا افزایش نقطه‌های آن واژه سبب تصحیف می‌شود (ر. ک: مایل هروی، ۱۳۶۹ و جهانبخش، ۱۳۷۸). برای نمونه، واژه‌های «نپرسیدم» و «بترسیدم» می‌توانند تصحیف یکدیگر باشند؛ گرچه تصحیف از نظر دهخدا، خطا کردن در کتابت و قرائت واژه و روایت آن در کتاب است و گویند تحریف کلمه از وضع آن و دگرگونی لفظ است که مراد گوینده یا نویسنده تغییر می‌کند (ر. ک: دهخدا، ۱۳۷۷: ذیل «تصحیف»). «تحریف در اصطلاح اهل لغت، تشابه حروف کلمات است بعضی دیگر را در نوع و شکل و عدد و ترتیب و اختلاف آن‌ها در حرکات یا حرکت و سکون، به خلاف تصحیف که آن اختلاف است در نقطه‌ها» (همان: ذیل «تحریف»). برای نمونه، واژه‌های «گرید» و «گوید» می‌توانند تحریف یکدیگر باشند؛ نگارندگان با پذیرفتن تعریف اخیر «تحریف» بر این باورند که تصحیف، گونه‌ای از تغییر کلام و تحریف سخن است که از شباهت لفظی و نوشتاری واژه‌ها صرف نظر از نقطه‌گذاری

آن‌ها همچون جناس خط، ایجاد می‌شود و واژه ضمن تغییر از شکل نوشتاری خود، معنای دیگری نیز به خود می‌گیرد.

۵-۱-۱. درآمدی بر عوامل ایجاد تصحیف و تحریف در متون ادب فارسی

واژه‌ها در متون ادب فارسی به دلایل گوناگونی نظیر نسخه‌نویسی‌های مکرر، نسخه‌های ناخوانا از یک اثر و ناآشنا بودن برخی از کاتبان با آن‌ها، کم‌دقتی، کم‌حوصلگی و حتی کم‌دانشی شماری از آنان دچار تغییر، تصحیف و تحریف می‌شوند. هم‌نین «دخاله ذوق کاتبان و قریحه‌نُسخ، تغییراتی در نسخه‌های اصلی به‌وجود آورده است» (وفایی و حسینی‌میرمحمدی، ۱۳۹۶). سهو و غفلت کاتب و مصحح، مسامحه آنان در کتابت و تصحیح، خستگی و خطای چشم، نسخه‌نویسی به عنوان یک منبع درآمد مالی و تندنویسی کاتب هنگام کتابت و مسائلی نظیر این نیز سبب تغییراتی در اصل واژه‌ها در متون کهن ادب فارسی شده‌اند. ضمن اینکه گفته شده است گاه کاتب [و به عقیده نگارندگان، حتی مصحح] دچار خطای ذهنی می‌شده [و پیش‌داوری او سبب می‌شده]، واژه‌ای که در نسخه اساس نبوده، اما به مناسبتی به ذهن او می‌آمده را به قلم آورد (ر. ک: مایل هروی، ۱۳۶۹).

فاصله زمانی زیاد از هنگام نگارش یا سرایش یک اثر تا تصحیح، مقابله و چاپ آن، زمینه ورود تصحیفات و تحریفات را به آن اثر تشدید و تقویت می‌کند؛ زیرا اثر مورد نظر در آن فاصله زمانی باید چندین بار نسخه‌نویسی شود تا به دست پسنیان برسد.

۵-۱-۲. بیان مسأله (سبک‌شناسی و تصحیح متون)

آشنایی دقیق با سبک دوره‌ای و هنجارهای سبکی یک نویسنده یا شاعر در تصحیح انتقادی آثار آنان بسیار مؤثر است. همچنین مصحح با آشنایی با شیوه‌های علمی تصحیح متون و بهره‌گیری از نسخه‌های خطی و گزینش درست نسخه اساس، می‌تواند به اصالت یک متن دست یابد؛ از این رو است که «در تصحیح متون، آشنایی با تُرم دوره سبکی مربوط از واجبات است و گر نه مصحح در انتخاب واریانت‌ها^۱ یا نسخه بدل‌ها دچار سردرگمی خواهد شد» (شمیسا، ۱۳۷۴) و لغزش‌هایی در متن، شکل خواهد گرفت. از آنجایی که هدف نهایی

1. Variants

واریانت؛ یعنی نسخه‌های بدل که در تصحیح متون به کار می‌آیند و به دیگر سخن، «فرنگی‌ها به این قبیل اختلاف نُسخ، «واریانت» می‌گویند که تقریباً به معنی یا معادل «نسخه بدل» می‌شود» (بینش، ۱۳۵۴).

و «غایت تصحیح متن، بازسازی متن مکتوب مؤلف است، نه تحمیل قرائتی خاص از سوی مصحح» (مجرد، ۱۳۹۶)؛ بنابراین، دانش سبک‌شناسی می‌تواند یاری‌کننده پژوهشگر در کار تصحیح باشد و مصحح باید بتواند با بهره‌گیری از شیوه تصحیح انتقادی متون و با استفاده از هنجارهای سبک‌شناختی نویسنده یا شاعر، متن را «نزدیک به آنچه از قلم مؤلف بیرون آمده است، به مخاطب عرضه کند» (همان) و اشکالاتی مانند تصحیف و تحریف را در آن به حداقل برساند و زندگی دوباره‌ای به متن ببخشد.

آشنایی با ویژگی‌های سبکی دوره‌ای و «معلومات سبک‌شناسانه است که سرمایه برخی از ادبا در تصحیحات قیاسی بوده است و گذشت زمان و پیدا شدن نسخ معتبر کهن بر صحت آن‌ها، صحنه نهاده است» (شمیسا، ۱۳۷۴) از یک سو و از سوی دیگر، منقح‌تر بودن متن، بررسی ویژگی‌های سبکی آن متن به شکل دقیق‌تری انجام می‌شود و بسیاری از ابهامات موجود در آن با دست یافتن به شکل درست واژه‌ها از بین می‌رود.

علاوه بر برخی از لغزش‌ها در «اغراض السیاسه»، شماری از واژه‌های ناخوانا و مبهم آن با نشانه پرسش (؟) در متن این اثر (ر. ک: ظهیری، ۱۳۹۲ الف) وجود دارد که باید بررسی شوند و این پژوهش در این راستا انجام می‌شود؛ گرچه به دلیل محدودیت حجم مقاله نتوانسته است همه آن‌ها را بررسی کند، مسأله اصلی در این جستار آن است که از پژوهش‌های انجام شده در این زمینه و از آثار دیگر ظهیری (سندبادنامه و غرةالالفاظ)، ذخیره‌های واژگانی و هنجارهای سبک‌شناختی این نویسنده و دیگر نمونه‌های متنی بهره گرفته شود تا برخی از لغزش‌های موجود در «اغراض السیاسه» تصحیح شوند. در ادامه به نمونه‌ای از کاستی‌های موجود در این اثر اشاره می‌شود.

در حکایت راهزنی‌ها و شیخون زدن‌های یعقوب لیث و پیام فرستادن رتبیل به وی در «اغراض السیاسه» چنین آمده است:

«... و اکنون حال از دو بیرون نیست: [یا: نسخه مش] دست تعرض از رعایای ولایت ما منقطع دارو [= دار و] به خدمت ما پیوند، تا ترا تربیت فرماییم و اقطاع دهیم تا از دزدی و شیخون بردن فارغ باشی. چون رسول رتبیل به یعقوب رسید و پیغام او بگزارد، یعقوب با خود اندیشید ما را کاری باید کرد که نام ما در جهان یادگار ماند و به بزرگی رسد» (ر. ک: ظهیری، ۱۳۹۲ الف).

ایرادهای متن مذکور عبارت‌اند از:

نخست؛ پس از جمله «و اکنون حال از دو بیرون نیست»، فقط به توضیح یک مورد پرداخته شده است و نسخه‌های خطی - که نگارندگان به آن‌ها دسترسی داشتند - نیز در این باره راه به جایی نمی‌برند.

دوم؛ هنگامی که بخواهیم چنین جملاتی را بیان کنیم به حرف ربط تسویه «یا ... یا» نیاز است تا پیوند بین جملات به درستی برقرار شود که نسخه مش (۱۵۵) با ضبط نخستین حرف پیوند «یا» این نقش را به خوبی ادا کرده است.

سوم؛ شکل درست املائی و امروزی «پیغام گذاشتن» به همین حالت است؛ در حالی که در متن مذکور «پیغام او بگزارد» نگاشته شده است که به نظر می‌رسد در سده‌های گذشته نیز چندان تفاوتی میان «گذاشتن» با «گزاردن» قائل نمی‌شده‌اند، همان‌گونه که «برپای خاست» در همین اثر با املا «برپای خواست» (ر. ک: ظهیری، ۱۳۹۲ الف) نگاشته شده است.

۲-۵. تصحیفات

۲-۵-۱. تحمل و تکلف یا تجمل و تکلف؟

«همو گوید: عَجِبْتُ عَمَّنْ يَشْتَرِي الْعَبْدَ بِمَالِهِ وَ لَا يَشْتَرِي الْحُرَّ بِفِعَالِهِ؛ عجب دارم از کسی که مال دهد و بنده خرد و آزاد مرد را به فعال^۱ نیکو، بنده نگرداند. استرقاق^۲ اماء^۳ و استعباد ارقاء^۴ طریق تحمل و تکلف است و رعایت جانب تصنع و تنوق» (ظهیری، ۱۳۹۲ الف).

واژه «تحمل» در نسخه اساس (۱۷۴) ثبت شده است با سبک و سیاق جملات و متن بالا سازگاری ندارد. واژه‌های «تکلف»، «تصنع» و «تنوق» با واژه «تجمل» - که در نسخه مش (۱۳۳) ثبت شده است - تناسب دارند و آن را تأیید می‌کنند. بنابراین، واژه «تحمل» در عبارت

۱. «به فعال» در نسخه اساس (۱۷۴) ثبت شده و با ترجمه «بفعاله» سازگاری دارد؛ ثبت «به افعال» در نسخه مش (۱۳۳)، معنای عبارت مورد نظر را روشن‌تر می‌کند.

۲. «استرقاق»: به بنده گرفتن، طلب بندگی کردن» (دهخدا، ۱۳۷۷: ذیل «استرقاق»).

۳. «اماء»: پرستاران، کنیزکان، جمع امة» (همان: ذیل «اماء»).

۴. «ارقاء»: جمع رقیق. بندگان، مملوکان» (همان: ذیل «ارقاء»).

مورد بحث، تصحیف «تجمل» است. هم‌نشینی واژه‌های «تکلف و تنوق» در نثر نصرالله منشی نیز دلیل دیگری بر تأیید واژه «تجمل» در جمله یادشده است:

«و هر کجا عقیدت‌ها به مودت آراسته گشت اگر در جان و مال با یک‌دیگر مواسا رود و در آن انواع تکلف و تنوق تقدیم افتد، هنوز از وجوب قاصر باشد» (منشی، ۱۳۸۴).

بنابراین، بازسازی بخش پایانی عبارت مورد بحث به این صورت خواهد بود: «استرقاق اماء و استعباد ارقاء طریق تجمل و تکلف است و رعایت جانب تصنع و تنوق».

۵-۲-۲. حریم حرم یا حریم حزم؟

«پس اگر دشمنی به اسباب ضرورت به مواصلت و موافقت رغبت نماید، رای آن است که عاقل با حزم از مکر و غدر او آمن نباشد و از تصون و توقی و اجتناب و تحذر درنگ‌درد و اگر مجالی نیابد و مجاری احوال نه بر توفیق اعمال و تدبیر رود، او باری در حریم حرم از قصد دشمن مصون و از مکر او مسلم باشد» (ظهیری، ۱۳۹۲ الف).

«حریم حرم» در عبارت مورد نظر در نسخهٔ اساس (۵۳)، تصحیف «حریم حزم» است که ترکیب اخیر در نسخهٔ مش (۴۴) ثبت شده و با سبک و سیاق جملات و عبارت بالا سازگار است؛ به‌ویژه اینکه واژه‌های «مکر»، «قصد دشمن» و «مصون بودن» با «حریم حزم» تناسب دارند و این ترکیب را تأیید می‌کنند. «حزم» و قرار گرفتن آن حتی در کنار «عزم» در جاهای دیگر این اثر (ر. ک: ظهیری، ۱۳۹۲ الف) نیز وجود «حریم حزم» را در متن مورد بحث تأیید می‌کند که به نمونه‌ای از این موارد در این اثر اشاره می‌شود:

«استاد حزم او اساس دولت جهان‌داری در عرصهٔ مملکت کامگاری راسخ و ثابت گردانید و شاگرد عزم او شرف قصر جلال از شرف اوج زحل بگذرانید» (همان).

بنابراین، بخش پایانی عبارت مورد نظر به این صورت تصحیح می‌شود: «او باری در حریم حزم از قصد دشمن مصون و از مکر او مسلم باشد».

۵-۲-۳. حلیه یا حلبه؟

در توصیف شراب در «اغراض السیاسه» چنین آمده است:

«اقل مناقب او آن است که حالت هموم و غموم را به جبور و سرور بدل کند و جبان و بددل را شجاع و دلیر گرداند و بخیل سفله را سخی کند و حکما را در وی مجال اقوال است و اوصاف اصناف او وسعتی دارد که یکران خاطر در حلیه آن از جولان فروماند» (همان).

نسخه اساس (۲۲۶)، واژه «حلیه» را ثبت کرده است که درست نمی‌نماید و با سبک و سیاق متن سازگاری ندارد و در معنای جمله پایانی، ابهام و اختلال ایجاد می‌کند. «حلیه»، تصحیف «حلبه» است و «حلبه» به معنای اسبان برای مسابقه اسب‌دوانی و مجازاً به معنای میدان مسابقه است (ر. ک: دهخدا، ۱۳۷۷: ذیل «حلبه») که نسخه مش (۴۱۸) آن (حلبه) را ثبت کرده است، ضمن اینکه واژه‌های «یکران: اسب اصیل و خوب» (معین، ۱۳۸۰: ذیل «یکران») و «جولان» و «فروماند» با «حلبه» تناسب دارند و آن را تأیید می‌کنند. همچنین کاربرد «حلبه» (ظهیری، ۱۳۹۲ الف)، «حلبه سباق» (همان)، «حلبه مسابقت» (همان)، ربودن گوی مسابقت (همان)، خصل سباق از لعبتان بربری بردن (همان) از زبان و قلم ظهیری در همین اثر، مهر تأیید دیگری بر وجود «حلبه» در عبارت مورد بحث است؛ بنابراین، بخش پایانی عبارت مورد بحث به این صورت بازسازی می‌شود: «اوصاف اصناف او وسعتی دارد که یکران خاطر در حلبه آن از جولان فروماند».

۵-۲-۴. شوایب غیب یا شوایب عیب؟

«چون دور دولت و احوال اقبال منعکس شود، صفای آن دُرد و مصفای آن مکدر گردد و به شوایب غیب مخلوط شود و مقبل مُدبر، و مُدبر مقبل گردد و مسرور محزون، و محزون مسرور شود» (همان).

نسخه اساس (۱۲۴)، «شوایب غیب» را ثبت کرده که عبارت یادشده را مغشوش و دچار ابهام می‌کند، اما «شوایب عیب» که در نسخه مش (۱۰۰) ثبت شده است با سبک و سیاق جملات و این عبارت سازگاری دارد و معنای جمله پایانی را نیز روشن می‌کند؛ به‌ویژه اینکه واژه‌های «صفا»، «مصفا»، «دُرد»، «مکدر» و «شوایب» واژه «عیب» را در متن مورد نظر تأیید

می‌کنند. همچنین کاربرد «شوایب عیب و معایب شوب» (ظهیری، ۱۳۹۷ و ۱۳۹۲ الف) از زبان و قلم ظهیری دلیل دیگری بر تأیید واژه «عیب» در عبارت مورد بحث است؛ بنابراین، جمله مورد نظر از عبارت یادشده به این شکل بازسازی می‌شود: «... صفای آن دُرْد و مصفای آن مکدر گردد و به شوایب عیب مخلوط شود».

۵-۲-۵. عَقْلًا یا عُقْلًا؟

«اگر چنانکه کسی قلاده و سوار و طوق و خلخال بر گردن ستوری بندد و بدان مفاخرت نماید، زیر کان بر خرد و کیاست و عقل و فطنت او خندند، و او را به جهل و حماقت منسوب کنند. همچنین اگر کسی دقایق علوم و معانی حکم و حقایق غوامض با کسی گوید که او را اهلیت استماع و استقلال استعمال آن نباشد، عقلاً او را به سَمَت جهل و نادانی موسوم کنند و به وصمت سفاهت و حماقت معیوب گردانند» (همان).

«عقلاً» تصحیف «عُقْلًا» است. نسخه اساس (۷۲) و نسخه مش (۵۹) واژه «عُقْلًا» را ثبت کرده‌اند که با مفهوم متن سازگاری دارد. همچنین واژه «زیرکان» در جملات پیشین - که کارکردی شبیه به کارکرد «عقلاً» دارد - با «عقلاً» تناسب دارد و آن را تأیید می‌کند؛ بنابراین، جمله مورد بحث به این صورت تصحیح می‌شود: «عُقْلًا او را به سَمَت جهل و نادانی موسوم کنند».

۵-۳. تحریفات

۵-۳-۱. آب یا اسب؟

جایی بُرد او لشکر کانجا نرسد مور جایی زند او خیمه کانجا نخزد مار
آب و گهر و تیغ بدو گیرد قیمت دین و دول و ملک بدو یابد مقدار
(ظهیری، ۱۳۹۲ الف)

«آب» در مصراع نخست بیت دوم، تحریف «اسب» است. نسخه اساس (۱۰۹) و نسخه مش (۸۷)، واژه «اسب» را ثبت کرده‌اند که با مفهوم بیت سازگاری دارد. همچنین واژه‌های «لشکرکشی»، «خیمه‌زدن» و «تیغ» با واژه «اسب» تناسب دارند و آن را تأیید می‌کنند. این دو

بیت در بحث «سیاقه‌الاعداد» در بسیاری از کتاب‌های بلاغت (مخصوصاً بدیع) آورده شده‌اند. برای رعایت اختصار به ضبط بیت مورد بحث در برخی از آثار متقدم بسنده می‌شود:

اسب و گهر و تیغ بدو کیرذ قیمت
تخت و سبه و تاج بدو یابذ مقدار
(فرخی سیستانی، ۱۳۳۹: به نقل از وطواط)

اسب و گهر و تیغ بدو گیرد قیمت
تخت و سپه و تاج ازو یابد مقدار
(زیدی، ۱۳۷۳: به نقل از رازی)

بنابراین مصراع مورد نظر به این صورت پیشنهاد می‌شود: «اسب و گهر و تیغ بدو گیرد قیمت».

۵-۳-۲. اصداف الطاف یا اصداف الفاظ؟

«قدر این بحر علوم و محیط حکمت کسی داند که در دریای فکرت، غوص کرده بود و از اصدافالطاف، دُر معانی برآورده» (ظهیری، ۱۳۹۲ الف).

«اصداف الطاف» در نسخه‌ی اساس (۱۲) ثبت شده که نادرست می‌نماید و با متن سازگاری ندارد. نسخه‌ی مش (۱۱)، «اصداف الفاظ» را ثبت کرده که با بافت کلام تناسب دارد؛ زیرا بافت کلام از علم و حکمت سخن می‌گوید و واژه‌های «علوم»، «حکمت»، «فکرت» و «معانی» با واژه «الفاظ» تناسب دارند و آن را در عبارت پیشین تأیید می‌کنند؛ به‌ویژه اینکه، تشبیهات پایانی عبارت مورد بحث باید به گونه‌ای باشند تا واژه «الفاظ» در تقابل با «معانی» قرار گیرد و با غوص کردن در «دریای فکرت» بتوان «دُر معانی» را از «اصداف الفاظ» بیرون آورد. پس بخش پایانی عبارت مورد اشاره به این صورت بازسازی می‌شود: «در دریای فکرت، غوص کرده بود و از اصداف الفاظ، دُر معانی برآورده».

۵-۳-۳. خوشی ایام یا حواشی ایام؟

ظهیریدر تعریف و تمجید از «اغراض السیاسه» چنین می‌گوید:

«متیقنم که چون به تشریف قبول و سعادت اقبال مطالعه نظر عالی، مشرف و منظور و مکرم و مسعود گردد، مدت این عروس عقل با مدت شاه نفس برابر ماند و آثار و انوار او از خوشی ایام و صحایف روزگار محو نشود» (ظهیری، ۱۳۹۲ الف).

نسخه اساس (۱۱) و نسخه مش (۱۰)، واژه «حواشی» را ثبت کرده‌اند که با مفهوم جمله پایانی نیز سازگاری دارد؛ به‌ویژه اینکه «صحایف» با «حواشی» تناسب دارد و آن را تأیید می‌کند. بنابر این، «خوشی» در متن مذکور، تحریف «حواشی» است. «حواشی روزگار» (ظهیری، ۱۳۹۲ ب)، «حواشی زمانه» (ظهیری، ۱۳۹۲ الف)، «صحایف ایام» (همان؛ ظهیری، ۱۳۹۲ ب) و «اوراق جراید اوقات» (ظهیری، ۱۳۹۲ الف) نیز «حواشی ایام» را در عبارت مورد بحث تأیید می‌کنند. ضمن اینکه ظهیری در توصیف «سندبادنامه» و تمجید از آن نیز عیناً ترکیب «حواشی ایام» را به کار برده است:

«تالغت پارسی متداول السنه است و متناول افواه عالمیان باشد، آثار انوار او از حواشی ایام مندرس نگردد و جلال قبول او در ظلال عزل نیفتد» (ظهیری، ۱۳۹۲ ب).

همچنین تشبیه «روزگار» به «دفتر اعمال عمر انسانها» در متن زیر از «اغراض السیاسه» و دیگر اصطلاحات بلاغی آن، به‌ویژه تشبیهات «بیاض روز» و «مداد شب» و سبک و سیاق و مفهوم این متن نیز به نوعی «حواشی ایام» را در عبارت مورد نظر تأیید می‌کنند:

«روزگار، دفتر اعمال اعمار شماست، جهد آن کنید تا بر وی نیکوتر افعال نویسد، یعنی که بر بیاض روز به مداد شب به اقلام اعمال آیات، محامد و مفاخر و سور محاسن و مکارم چنان ثابت گردانید که آثار امداد آن اخبار به امتداد روزگار برابر ماند و از جراید مجد و صحایف کرم محو نگردد» (ظهیری، ۱۳۹۲ الف).

علاوه بر این، به عاریت گرفتن «صحایف» و «حواشی» برای «معالی» و «مآثر» در ترکیب‌های «صحایف معالی» (ظهیری، ۱۳۹۷) و «صحایف جراید معالی، حواشی دفاتر مآثر» (ظهیری، ۱۳۹۷) می‌توانند مؤید این باشند که «حواشی» نیز برای «ایام» به عاریت گرفته شود. همچنین حرف «و» در «آثار و انوار او» در عبارت مورد بحث زاید است و آن را مبهم می‌نماید. با توجه به ضبط «آثار انوار او» در نسخه مش (۱۰) و در مقدمه «سندبادنامه» (۲۱) -

که در این پژوهش به آن اشاره شد- بازسازی جمله پایانی به این صورت خواهد بود: آثار انوار او از حواشی ایام و صحایف روزگار محو نشود.

۵-۳-۴. در حال پادشاهی یا در جلال پادشاهی؟

«ما پادشاهان چون روزگاریم، هر کرا برآریم، بلند شود و هر کرا فرود آریم، پست گردد. این کلمات مُنبی است از غُلوی^۱ همت و کمال بزرگواری او در حال پادشاهی و کمال تأیید الهی» (ظهیری، ۱۳۹۲ الف).

نسخه اساس (۱۶۰)، «در حال پادشاهی» را ثبت کرده که با مفهوم جمله پایانی چندان سازگاری ندارد. نسخه مش (۱۲۴)، «در جلال پادشاهی» را ثبت کرده که با «کمال تأیید الهی» و «کمال بزرگواری» تناسب دارد و واژه «جلال» به دلیل سجع متوازی آن با «کمال»، در متن خوش تر می‌نشیند و با آن سازگاری بیشتری دارد. همچنین «غُلوی همت» - که معادل «غُلوی همت» است - نیز درستی «جلال پادشاهی» را در متن مورد بحث تأیید می‌کند. بنابراین، «در حال»، تحریف «در جلال» است و بخش پایانی عبارت مورد اشاره به این شکل تصحیح می‌شود: «این کلمات مُنبی است از غُلوی همت و کمال بزرگواری او در جلال پادشاهی و کمال تأیید الهی».

۵-۳-۵. دقایق معادن یا دقایق معادن؟

«... زمام خیر و شر جهان و جهانیان بر اطلاق بدو دهند تا بر ذخایر طبایع و دقایق معادن و بحار و قفار^۲، نهان و آشکار و غث و سمین و معین و مهین روزگار واقف و متصرف گردد» (ظهیری، ۱۳۹۲ الف).

۱. حرف «ی» در «غُلوی همت»، حرف اضافه [= کسره اضافه] محسوب شده است. (ر.ک؛ ظهیری، ۱۳۹۲ الف)؛ یعنی

«غُلوی همت»، معادل «غُلوی همت» در نظر گرفته شده است.

۲. «قفار: بیابان‌ها، جمع قفر» (معین، ۱۳۸۰: ذیل «قفار»).

نسخه اساس (۱۸)، واژه «دقایق» را ثبت کرده که معنای عبارت را دچار ابهام و متن را مغشوش می‌کند. واژه‌های «ذخایر»، «طبایع» و «معادن» با واژه «دقاین» - که در نسخه مش (۱۶) ثبت شده - تناسب دارند و آن را تأیید می‌کنند. همچنین ترکیبات عطفی «خزاین و دقاین» (ظهیری، ۱۳۹۲ الف) و «ذخایر [و] دقاین» (همان) از زبان و قلم ظهیری نیز واژه «دقاین» را در متن مورد نظر تأیید می‌کنند که به نمونه‌ای از این موارد اشاره می‌شود:

«گفتی مواکب کواکب از آسمان به زمین آمدستی یا خزاین و دقاین قارون به صحرا شدستی» (همان)؛ بنابراین بخش پایانی جمله مذکور به این صورت بازسازی می‌شود: «تا بر ذخایر طبایع و دقاین معادن ... واقف و متصرف گردد».

۵-۳-۶. مثالی یا سالی؟

«... و مثل آدمی و احوال او چون مسافر است در راهی که منزل اول او مهد است و مسکن آخر او لحد، و میان این دو منزل، مرحله‌ای چند معدود و روزی چند محدود، و هر فصلی چون مرحله‌ای و هر مثالی چون رباطی و هر ماهی فرسنگی و هر روزی میلی و هر ساعتی گامی و هر نفسی قدمی؛ و آدمی در وی آمن و ساکن و مرفه و فارغ نشسته و از این حالت غافل» (همان).

واژه «مثالی» در متن بالا تحریف «سالی» است. نسخه اساس (۷۱) و نسخه مش (۵۸)، واژه «سالی» را ثبت کرده‌اند که با سبک و سیاق جملات سازگاری دارد. همچنین واژه‌های «روزی»، «فصل»، «ماه»، «ساعت» و «نفس» با واژه «سالی» تناسب دارند و آن را تأیید می‌کنند. پس عبارت مورد بحث به این شکل تصحیح می‌شود: «و هر فصلی چون مرحله‌ای و هر سالی چون رباطی و هر ماهی فرسنگی و ...».

۵-۳-۷. معالجت و مداومت یا معالجت و مداوات؟

در «اغراض السیاسه» پس از بیان مقدمات، درباره بیماری و آفت پیری - که دارو و درمانی ندارد - چنین آمده است:

«بیماری آفتی است که رونق و طراوت اشخاص به ذبول و نحول بدل گرداند و قندیل حیات را در زاویه کالبد، تیره و تاریک گرداند؛ . . . دم مسیح و دست جالینوس از معالجت و مداومت آن عاجز آید» (ظهیری، ۱۳۹۲ الف).

نسخه اساس (۱۲۲) و نسخه مش (۹۸)، واژه «مداوات» را ثبت کرده‌اند که با سبک و سیاق جملات سازگاری دارد. «بیماری»، «دم مسیح»، «دست جالینوس»، «معالجت» و «عاجز بودن از معالجت»، با واژه «مداوات» تناسب دارند و آن را تأیید می‌کنند. بنابراین، «مداومت» در این متن، تحریف «مداوات» است، ضمن این که کاربرد «معالجت و مداوات و تشفی» (ظهیری، ۱۳۹۷) و «تداوی و تشفی» (ظهیری، ۱۳۹۲ ب و ۱۳۹۲ الف) از زبان و قلم ظهیری نیز واژه، «مداوات» را در متن مورد بحث تأیید می‌کنند. بنابراین جمله پایانی به این شکل بازسازی می‌شود: «... دم مسیح و دست جالینوس از معالجت و مداوات آن عاجز آید».

۵-۳-۸. نهادند یا نهند؟

«ما ایشان را به تازیانه قهر و سطوت، منقاد و مطیع می‌داشتیم و نگذاشتیم که قدم از خطه انقیاد و مطاوعت بیرون نهادند و دستهای تطاول به تناول اموال رعایا دراز کنند» (ظهیری، ۱۳۹۲ الف).

گرچه نسخه اساس (۲۱۲) فعل «نهادند» را ثبت کرده است با فعل «نگذاشتیم» سازگاری ندارد؛ زیرا فعل دیگری که پس از فعل‌هایی نظیر «نگذاشتیم» می‌آید باید به زمان مضارع التزامی باشد تا مفهوم جمله به درستی ادا شود. نسخه مش (۱۵۹)، فعل «نهند» را ثبت کرده است که با زمان جمله مورد نظر سازگاری دارد و زمان فعل «کنند» در پایان عبارت نیز درستی فعل «نهند» را در متن مورد بحث تأیید می‌کند. پس، شکل درست جمله مورد بحث به این صورت پیشنهاد می‌شود: «نگذاشتیم که قدم از خطه انقیاد و مطاوعت بیرون نهند».

۵-۳-۹. و فکر یا وکر؟

«چون مهلت حیاتش به آخر کشید و حساب عمرش به فذلک انجامید، متقاضی قضا دست بر حلقه در قدر نهاد، خیاط اجل به مقرض انقراض، جامه رحلتش بریدن گرفت. سیمرغ روحش از نشیمن قفص قالب، قصد و فکر بالا کردن ساخت» (ظهیری، ۱۳۹۲ الف).

فعل «ساخت» در این عبارت به قرینه «گرفت» به لحاظ معنایی، فعل آغازین به شمار می-آید که مختار کمیلی نیز پیشتر به این گونه فعل‌ها در «اغراض السیاسه» اشاره کرده است. (ر. ک: کمیلی، ۱۳۹۰). واژه نامفهوم «و فکر» متن بالا را مغشوش و معنای آن را دچار ابهام می‌کند. واژه‌های «سیمرغ»، «نشیمن»، «قفص» و «بالا» با واژه «وکر»- که در نسخه مش (۵۷) ثبت شده- تناسب دارند و آن را تأیید می‌کنند؛ ضمن اینکه ثبت واژه مورد بحث در نسخه اساس (۷۰) نیز تا اندازه‌ای به شکل نوشتاری «وکر» شباهت دارد.

همچنین کاربرد واژه «وکر» (ر. ک: ظهیری، ۱۳۹۲ الف و ۱۳۹۲ ب) و «اوکار» (همان) در آثار بر جای مانده از ظهیری سمرقندی و سبک و سیاق این گونه جملات نیز واژه «وکر» را در متن پیشین تأیید می‌کنند که به یک نمونه از این موارد اشاره می‌شود:

«خاصه که زنان را مکر در وکر مکر و آشیانه غدر باشد و داستان ایشان از الحان هزاردستان عجب ترست و حیل و خدیعت ایشان از ریگ بیابان بیشتر» (همان).

بنابراین، جمله پایانی به این شکل بازسازی می‌شود: «سیمرغ روحش از نشیمن قفص قالب، قصد وکر بالا کردن ساخت».

۵-۳-۱۰. هم یا بیم؟

«مُرده و آنکه او را دین نبود برابر است، و امانت نیست آن را که دین نیست؛ از بهر آنه چون بر کردار نیک، امید جزا و ثواب و بر اعمال بد، هم پاداش^۲ و عقاب نبود [و] هیچ کس بر تقدیم خیرات و ادخار حسنات رغبت ننماید» (ظهیری، ۱۳۹۲ الف).

۱. «فذلک شدن: سپری شدن، منقضی شدن» (دهخدا، ۱۳۷۷: ذیل «فذلک»).

۲. واژه «پاداش» در متون کهن فارسی به معنای «مطلق مکافات و جزا، اعم از خیر و شر» (دهخدا، ۱۳۷۷: ذیل «پاداش») به کار رفته است که در اینجا با توجه به ترادف‌ها و تقابلهای موجود در جمله، معنای «عذاب و شکنجه» می‌دهد

ثبت واژه مورد بحث در نسخه اساس (۴۵)، چندان روشن نیست. شکل نوشتاری آن در خط نسخ، صرف نظر از نقطه‌ها به واژه «هم» یا «بیم» شباهت دارد. واژه «هم» - با توجه به تقابلی که بین عبارات «بر کردار نیک، امید جزا و ثواب» و «بر اعمال بد هم پاداش و عقاب» باید وجود داشته باشد - با متن بالا سازگاری ندارد. نسخه مش (۳۸)، واژه «بیم» را ثبت کرده که این واژه در تضاد با «امید» است و زنجیره تقابل میان کلمات متضاد را در جملات بیان شده، کامل می‌کند. بنابراین، واژه «هم» در متن مورد نظر تحریف «بیم» است. پس عبارت مورد اشاره به این شکل تصحیح می‌شود: «امانت نیست آن را که دین نیست؛ از بهر آن که چون بر کردار نیک، امید جزا و ثواب و بر اعمال بد، بیم پاداش و عقاب نبود».

۵-۴. اشتباهات چاپی

علاوه بر تصحیفات و تحریفاتی که در متن این پژوهش به آن‌ها اشاره شد، لغزش‌های دیگری نیز در متن چاپی «اغراض السیاسه» وجود دارد که آن‌ها را باید نتیجه ضعف و سهل‌انگاری در حروف چینی کتاب و شتاب‌زدگی در چاپ و نشر آن دانست و این‌گونه لغزش‌ها را باید اشتباهات چاپی به‌شمار آورد. نگارندگان در اینجا به دلیل محدودیت حجم مقاله، دو نمونه از این‌گونه اشتباهات چاپی را بررسی می‌کنند و دیگر موارد را برای رعایت اختصار در کوتاه‌ترین جمله یا عبارت با ذکر صفحه می‌نویسند و شکل درست واژه مورد بحث را در قلاب پس از پایان جمله می‌گذارند.

۵-۴-۱. عمارت عالم یا عمارت عام؟

«و در روزگار دولت این پادشاه محمود سیرت مسعود سریرت، به حکم اشاعت عدل و افاضت فضل و عمارت عالم، در اقالیم ملک او عزیزترین چیزی نبات کین و جغد بدخبر است که نه این را منبت و نه آن را میت، ...» (ظهیری، ۱۳۹۲ الف).

در حاشیه مربوط به عبارت مورد اشاره در متن چاپی «اغراض السیاسه» چنین نوشته شده است: (اصل: عمارات عالم، متن از «د») (همان)؛ در حالی که نسخه اساس (۲۴۹)، واژه «عمارات عام» و نسخه مش (۵)، «عمارت عام» را ثبت کرده‌اند که با سبک و سیاق و مفهوم عبارت بالا سازگاری دارد. همچنین «عمارت عام» زنجیره سجع «اشاعت عدل و افاضت

فضل» را در متن مورد نظر کامل می‌کند و کاربرد ترکیباتی نظیر «عدل عام» (ظهیری، ۱۳۹۲ الف) در این اثر نیز «عمارت عام» را در عبارت مورد بحث، تأیید می‌کند.

۵-۴-۲. نتوان یا نتواند؟

آه است بلی کراحت شاه سطح دل اوست چون سَجَنجَل^۱
می‌دان بیقین که زان کراحت آن‌گه که شود به عفو مُبَدَل
زنگی ماند از او که آن را نتوان شد زمانه صیقل
(همان)

نسخهٔ اساس (۱۹۰) و نسخهٔ مش (۱۴۵)، فعل «نتواند» را در مصراع پایانی ثبت کرده‌اند که این فعل سبب رعایت وزن آخرین مصراع و تکمیل معنای آن می‌شود. پس «نتوان» در مصراع پایانی، اشتباه چاپی است.

۵-۴-۳. «طاهر ار آن تعیبه خبر یافت» (۳۱۵): [از]

۵-۴-۴. «چون طومار بگشادند، افتتاح از بسم الله کرده بودند» (۳۹۱): [افتتاح]

۵-۴-۵. «چون عبدالعزیز به خدمت آمد، بر وی بهانه جُست و بفرمود تا بردار کردند» (۲۴۴): [بر دارش]

۵-۴-۶. «... پس‌ترین مردمان آن است که بخیلی را هشیاری شمرَد» (۳۱۱): [پست‌ترین]

۵-۴-۷. «در چنال حال، جوانی دیدم که بانگ بر شیر زد» (۲۶۹): [چنان]

۵-۴-۸. «با ندما و حکما به خلوت نشست و از علم و حکمت سحن پیوست» (۴۱): [سخن]

۵-۴-۹. «بر تصدیق این مقدمات، شاهد عدل و قاضی فصل آن است که ...» (۳۸۱): [فضل]

۱. «سَجَنجَل: آینه» (دهخدا، ۱۳۷۷: ذیل «سَجَنجَل»).

۵-۴-۱۰. «چون عمال کامی و مستخرج بودند، از رعایا زیادتی خواستند» (۲۵۸): [کافی]

۵-۴-۱۱. «و هر پادشاه که بدین اخلاق متخلق و بدین عادات معتاد گشت، آفت و فترت به ملک و دولت او راه نیاید» (۲۷۲): [نیابد]

۵-۴-۱۲. «نفقه شما به حق تعالی افام دادم و زنبیلی دیگر یافت و به بازار برد و به دانگی بفروخت» (۱۶۱): [بافت].

بحث و نتیجه‌گیری

«اغراض السیاسه» همچون بسیاری از متون کهن در گذر زمان به دلایل گوناگون به‌ویژه بر اثر دخالت ذوق کاتبان و قریحه‌نُسخ، دچار لغزش‌هایی شده است. با وجود کوشش‌های ارزنده جعفرشعار در تصحیح اغراض السیاسه به دلیل غفلت وی در بهره‌گیری از شیوه تصحیح انتقادی متون و توجه نکردن به برخی از هنجارهای سبک‌شناختی ظهیری و بهره نگرفتن از همه نسخه‌های خطی مربوط به این اثر، تصحیفات و تحریفاتی به متن چاپی آن راه پیدا کرده است. لغزش‌های دیگری هم در این کتاب وجود دارد که در نتیجه ضعف و سهل‌انگاری در حروف چینی و محصول شتاب‌زدگی در چاپ و نشر آن است. نگارندگان در این پژوهش با استناد به دو نسخه خطی از این اثر و برپایه هنجارهای سبک‌شناختی ظهیری و به شیوه تصحیح انتقادی متون و با مقایسه آثار دیگر وی به واکاوی لغزش‌هایی در آن پرداخته و به بازسازی برخی از جملات این کتاب اقدام کرده و واژه‌های مورد بحث را نزدیک به آنچه از قلم ظهیری بیرون آمده است به خواننده عرضه کرده‌اند، اما به دلیل محدودیت حجم مقاله نتوانسته‌اند همه لغزش‌ها را واکاوی کنند، پس تصحیح منقح و انتقادی «اغراض السیاسه» ضرورتی انکارناپذیر است.

تعارض منافع

تعارض منافع ندارم.

سپاسگزاری

از خانم فرشیده کونانی و خانم فریبا خُری مسئولین بخش نسخه‌های خطی و آقای مهرداد مقصودی‌ان‌نژاد، دانش‌آموخته دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تهران که سبب شدند نگارندگان از نسخه‌های خطی *اغراض السیاسة* موجود در کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد آن دانشگاه در نگارش این مقاله بهره ببرند، صمیمانه سپاس‌گزاری می‌شود.

ORCID

Mokhtar Ebrahimi	 http://orcid.org/0000-0002-5588-5681
Nasrollah Emami	 http://orcid.org/0000-0003-4385-8309
Ghodrat Ghasemipour	 http://orcid.org/0000-0001-6989-141X
Rasool Kordy	 http://orcid.org/0000-0003-0581-310X

منابع

- بینش، تقی. (۱۳۵۴). روش تصحیح متون فارسی. *نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تبریز*، ۷ (۱۱۶)، ۵۶۱-۶۱۲.
- جهانبخش، جويا. (۱۳۹۰). *راهنمای تصحیح متون*. چ ۳. تهران: میراث مکتوب.
- دهخدا، علی اکبر. (۱۳۷۷). *لغت‌نامه*. چ ۲ (از دوره جدید). تهران: دانشگاه تهران.
- رازی، شمس‌الدین محمد بن قیس. (۱۳۷۳). *المعجم فی معاییر اشعار العجم*. به کوشش سیروس شمیسا. چ ۱. تهران: فردوس و اندیشه.
- شمیسا، سیروس. (۱۳۷۴). *کلیات سبک‌شناسی*. چ ۳. تهران: فردوس.
- ظهیری سمرقندی، محمد بن علی. (۱۳۹۲ الف). *اغراض السیاسة فی اغراض الریاسة*. به تصحیح و اهتمام جعفر شعار. چ ۲. تهران: دانشگاه تهران.
- _____ (۱۳۹۲ ب). *سندبادنامه*. مقدمه و تصحیح سیدمحمدباقر کمال‌الدینی. چ ۲. تهران: میراث مکتوب.
- _____ (۱۳۹۷). *غرةالفاظ و نزهةالاحاظ*. با مقدمه و تصحیح محسن ذاکرالحسینی «پرنده». چ ۱. تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی.
- _____ (بی‌تا). *نسخه خطی اغراض السیاسة به شماره ۱۰۷۲* (از کتابخانه سیدمحمد مشکوة اهدایی به دانشگاه تهران). موجود در کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران.

- _____ (بی تا). نسخه عکسی اغراض السیاسه به شماره ۳۸۴۴ متعلق به کتابخانه ایاصوفیا (ترکیه). موجود در کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران. کمیلی، مختار. (۱۳۹۰). درآمدی بر سبک‌شناسی آثار ظهیری سمرقندی. فنون ادبی دانشگاه اصفهان، ۳ (۱-۴)، ۷۵-۹۲.
- _____ (۱۳۹۱). بازنگری اغراض السیاسه. متن‌شناسی ادبی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان، ۴ (۳-۱۵)، ۵۵-۷۶.
- مایل هروی، نجیب. (۱۳۶۹). نقد و تصحیح متون. چ ۱. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی قدس رضوی.
- مجرد، مجتبی. (۱۳۹۶). سنت تصحیح متن در ایران پس از اسلام. چ ۱. تهران: هرمس.
- معین، محمد. (۱۳۸۰). فرهنگ فارسی. (دوره ۶ جلدی). چ ۱۸. تهران: امیرکبیر.
- منشی، ابوالمعاصی نصرالله. (۱۳۸۴). ترجمه کلیله و دمنه. تصحیح و توضیح مجتبی مینوی. چ ۲۸. تهران: امیرکبیر.
- وطواط، رشیدالدین. (۱۳۳۹). دیوان رشیدالدین وطواط (با کتاب حدائق السحر فی دقائق الشعر). با مقدمه و مقابله و تصحیح سعید نفیسی. تهران: کتابخانه بارانی.
- وفایی، عباسعلی و حسینی میرمحمدی، سیدمهدی. (۱۳۹۶). تأثیر به کارگیری حوزه معنایی و واژگانی در تصحیح متن تعلیمی. پژوهشنامه ادبیات تعلیمی، ۹ (۳۶)، ۲۰-۱.

References

- Binesh, T. (1978). The Method of Correcting Persian Texts. Remained from Previous Issue. *Journal of the Faculty of Literature and Humanities of Tabriz University*, 7(116), 561-612. [In Persian]
- Dehkhoda, A. A. (1998). *Loghat Nameh* (2nd ed.). (New series). Tehran: Tehran University Press. [In Persian]
- Jahanbakhsh, J. (2011). *Rahnamaye Tashihe Motun*. Ed. 3rd. Tehran: Written Heritage Publishing. [In Persian]
- Komeili, M. (2011). An Introduction to the Stylistics of works of Zahiri Samarghandi. *Literary Techniques of Isfahan University*, 1 (3) (sequential 4), 75-92. [In Persian]
- _____ (2012). Baznegarye Aghraz AlSeyasah. *Textual Criticism of Persian Literature Journal*, 4(3), 55-76. [In Persian]
- Mayel Heravi, N. (1990). *Naghd va Tashihe Motun* (1st edition). Mashhad: Islamic Research Foundation of Astan Quds Razavi. [In Persian]
- Mo'in, M. (2001). *Farhange Mo'in*. Ed. 18th. Tehran: Amir kabir. [In Persian]

- Mojarrad, M. (2018). *The Tradition of Correcting Text in Post Islamic Iran*. (1st.) Tehran: Hermes. [In Persian]
- Monshi, N. (2005). *Translation of Kelileh and Demna*. Translated by Abu al Maali Nasrallah Monshi. Corrected and Explained by Minoi Mojtaba. Tehran: Amir Kabir Publication. [In Persian]
- Razi, S. M. (1995). *ALMoajam fi Maayir Ashaar ALAjam*. by C. Shamisa. Ed. 1st. Tehran: Ferdous Press and Andisheh. [In Persian]
- Shamisa, C. (1993). *Elements of Stylistics*. Ed. 3rd. Tehran: Ferdous Press. [In Persian]
- Zahir Samarghandi, M. (2013 a). *Aghraz ALSeiyasah fi A'araz ALReyasah*. Ja'far e She'ar (Emend.). ED. 2nd. Tehran: Tehran University. [In Persian]
- _____. (2013 b). *Sandbadnameh*. Emended and Introduced by sayyed Mohammad Bagher Kamaloddin. Ed. 2nd. Tehran: Publishing Heritage Research Center. [In Persian]
- _____. (2019). *Ghorrat alAlfaz and Nozhat alalhahaz*. Paranded, Emend and Introduced by M. Zaker AlHosseini. Ed. 1st. Tehran: Academy of Persian Language and Literature Publications. [In Persian]
- _____. (No date). The Manuscript of *Aghraz ALSeiyasah*, No. 1072 (Belonged to Sayyed Mohammad Meshkat. Available in Tehran University): [In Persian]
- _____. (No date). The Manuscript of *Aghraz ALSeiyasah*. No. 3844 (belonged to Ayasofia Library (Turkey). Available in Tehran University) [In Persian]
- Vatvat, r. (1961). *Divan* (accompanied by *Hadaiegh al Sehr fi Daghayegh al she'r*). with Introduction, Confrontation – and Correction of Saeed Nafisi. Tehran: Library. [In Persian]
- Vafayi, A. A., Hosseini Mir Mohammadi, S. M. (2018). The Influence of using Semantic and Lexical Domains in Correcting the Educational Text. *Research Journal of Didactic Literature*, 9 (36), 1-20. [In Persian]

استناد به این مقاله: ابراهیمی، مختار، امامی، نصرالله، قاسمی پور، قدرت، کردی، رسول. (۱۴۰۱). تصحیح چند تصحیف و تحریف در «اغراض السیاسة» با تأکید بر نسخه خطی مشکوة. فصلنامه متن پژوهی ادبی، ۲۶ (۹۲)، ۱۴۳-۱۶۸. doi: 10.22054/LTR.2020.43388.2726



Literary Text Research is licensed under a Creative Commons Attribution-Noncommercial 4.0 International License.